



سده؛ جشنی باستانی

## آتش به پیشواز بهار می رود

شنبه رحمتی

امسال جزو معدود سالهایی است که به مناسبت تقارن ماه محرم و جشن سده، این جشن تاریخی ایرانی برگزار نمی‌شود. امسال دهم ماه محرم \_ روز عاشورا \_ با جشن سده مقارن شده و ایرانیان که علاقه ویژه‌ای به اتمه اطهار دارند به پاسداشت محرم، اقدام به اجرای مراسم این ماه می‌کنند.

زنده یاد مهرداد بهار معتقد است؛ واژه سده از فارسی کهن به معنی پیدایش و آشکار شدن آمده و آن را مراسمی به مناسبت چهلمین روز تولد خورشید (یلدا) دانسته و می‌نویسد: «... جشن سده، سپری شدن چهل روز از زمستان و دقیقاً در پایان چله بزرگ قرار دارد. البته به جشنی دیگر که در دهم دی ماه برگزار می‌شده و کمابیش مانند جشن سده بوده هم باید توجه کنیم که در آن نیز آتش‌ها می‌افروختند.»

### برگزاری جشن سده

از این جشن در ادوار مختلف ایرانی تعاریف متعددی شده است. فردوسی آن را به هوشنگ نسبت می‌دهد و ابوریحان بیرونی و نوروزنامه آن را از فریدون می‌دانند و همچنین رسمی شدن جشن سده به زمان اردشیر بابکان منسوب شده، اما در هیچ کدام از شیوه برگزاری آن گفته نشده است.

در کرمان جشن سده یا سده‌سوزی در بین تمامی اقشار مردم چون مسلمان، زرتشتی، کلیمی رواج دارد و همه‌ساله در دهم بهمن ماه برگزار می‌شود. در بین چادر نشینان بافت و سیرجان، سده سوزی چوپانی اجرا می‌شود. شب دهم بهمن آتش بزرگی بنام آتش جشن سده، با چهل شاخه از درختان هرس شده که نشان چهل روز «چله بزرگ» است در میدان ده برمی‌افروزند و می‌خوانند: «سده سیده دهقانی / چهل کنده سوزانی / هنوز گویی زمستانی.»

چنان‌که از کتاب‌ها و اسناد تاریخی برمی‌آید جشن سده جنبه دینی نداشته و تمام داستان‌های مربوط به آن غیردینی است و بیشتر جشنی کهن و ملی به شمار می‌آید و وارث حقیقی جشن سده نه فقط زرتشتیان، بلکه همه ایرانیانند و پس از ایران به بسیاری از کشورهای همسایه راه یافت.

پرداختن به جشن‌های آب و آتش ایرانی کار پسندیده‌ای است و برگزاری این جشن‌ها در سرزمین ما کاری شایسته. برگزاری جشن‌هایی چون سده و مهرگان و یلدا نماد باستان گرایی یا کهنه پرستی و کهنه ستایی نیست، بلکه احترام به مردم این سرزمین و نیاکان آنهاست. شکست سرما، پیدایی آتش، آغاز بارش و یا زنده و سبز شدن زمین چیزهایی نیست که به دین خاصی وابسته و یا موهومات خرافی باشد. هر که در ایران زندگی می‌کند، می‌داند با آبان، سرما و بارندگی سر می‌رسد و از نیمه بهمن، آرام آرام سرما غزل خداحافظی را می‌خواند. در

نوروز شکوفه‌ها و سبزه‌ها می‌رسند و «جهان جوان می‌شود.» مسلمانان در کشورهای عربی جشن مهرگان ایرانیان را گرامی داشته‌اند و آن را «مهرجان» می‌نامند.

### سده‌سوزی در کرمان

جشن و آیین سده‌سوزی فقط در کرمان رسمی عمومی است. همگانی بودن این آیین در میان همه قشرهای اجتماعی کرمان و دل‌بستگی و توجه صمیمانه مردم این شهر به شرکت

معروف به باغچه «بداق آباد» با دیوارهای بلند و دو دستگاہ ساختمان وجود داشت. مراسم سده‌سوزی روبه‌روی در این باغ، در زمین‌های کشاورزی برگزار می‌شد. مالکان از اینکه سده‌سوزی روی زمین‌های کشاورزی آنان انجام می‌گرفت، استقبال می‌کردند، زیرا نه تنها آن را زیان آور نمی‌دانستند، بلکه خاکستری را که از آن به جا می‌ماند، برای کشاورزی مفید می‌شمردند. امروزه «باغچه بداق آباد» و زمین‌های کشاورزی اطراف آن به خانه و دکان تبدیل شده و تنها قطعه زمین بزرگی باقی مانده که برای سده‌سوزی از آن استفاده می‌شود. خیابان کنار این زمین نیز به همین عنوان موسوم است.

سده‌سوزی در کرمان، غروب روز دهم بهمن ماه برگزار می‌شود. اما کرمانی‌ها از چند روز قبل در تدارک آن هستند. از اول بهمن عموم باغداران و مالکان، هر یک به قدر همت و به نسبت ثروت خود، چند بار هیزم را که از بیابان‌ها و کوهپایه‌های اطراف فراهم شده، به محل جشن می‌آورند. دست‌فروشان نیز تا روز نهم بهمن محل گستردن بساط خود را معین می‌کنند.

پیش‌ترها که سده‌سوزی در فضای باز انجام می‌شد، مردم بعد از ظهر در اطراف محل افروختن آتش به صورت گروهی فرش می‌انداختند و تا فرارسیدن ساعت موعود خود را با گفتگو، دیدار یکدیگر، نوشیدن چای و خوردن آجیل سرگرم می‌کردند، اما این روزها فقط چند ساعت پیش از سده‌سوزی، در خیابان سده اجتماع می‌کنند.

روز دهم بهمن ماه چهره شهر عوض می‌شود. مغازه‌ها زودتر بسته می‌شود. چند ساعت پیش از افروختن، در آشپزخانه بزرگ باغ «بداق آباد» نان زردشتی می‌پزند. گردهمایی خانواده‌ها در ایوان باغ و خوردن آش و آجیل بخشی از مراسم جشن است. فروشندگان دوره‌گرد در کنار میوه و آشامیدنی در بساط خود، حتماً باید آجیل (تخمه، پسته، مغز بادام و فندق) هم داشته باشند.

سده خرمن بزرگی است به قطر ۱۴ متر و به بلندی ۵ تا ۶ متر که در جلوی در باغ بداق آباد از قبل آماده شده.

نزدیک غروب دو موبد لاله به دست یا لباس سفید که پوشاک رسمی روحانیان زردشتی به هنگام اجرای آیین‌های دینی است، ظاهر می‌شوند. زمزمه کنان به خرمن سده نزدیک شده و از سمت راست ۳ بار گرد آن می‌گردند. سپس این خرمن هیزم را با شعله لاله‌ها، که روشنی آنها از آتشی است که از آتشکده آورده شده، از چهار سو آتش می‌زنند. شعله‌های آتش، فروزان و سرکش به آسمان کشیده می‌شود و همراه آن هلهله و شادمانی مردم در فضا می‌پیچد.

پس از ساعت‌ها که شعله‌ها فرو کش می‌کند، مردم بویژه جوان‌ترها از روی بوته‌های آتش می‌پرند. در قدیم اسب سواران زودتر از مردم خود را به آب و آتش می‌زدند و هنر نمایی می‌کردند.

در آخرین ساعت پایانی جشن که آتش به خاکستر می‌نشیند، مردم پس از گذراندن بعد از ظهری شورانگیز و درخشان به خانه‌های خود باز می‌گردند. رسم است کشاورزان مقداری از خاکستر سده را به نشانه پایان گرفتن سرمای زمستان به کشتزارهای خود می‌برند و می‌گویند؛ در این شب ستاره گرما به زمین درود می‌فرستد.



در آن، نشانگر پیشینه کهنسال و دیرپای آن است. در این روز همه مردم شهر، اعم از زرتشتی، یهودی، مسیحی و مسلمان، ثروتمند و فقیر، کارمند و کاسب در آن شرکت می‌کنند و در واقع می‌توان آن را جشن کرمان نام نهاد. در قدیم محل جشن در یک فرسنگی شمال شهر کرمان، پس از ویرانه‌های محله قدیم زرتشتیان، معروف به «محله گبری» در زمین‌های کشاورزی بود. در این محل تنها یک باغ